

## نقش پیش‌بین مشکلات زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی Predicting Marital Conflict on the Basis of Positive and Negative Affects and Attachment Styles

Sara Tajdine

Master of Clinical Psychology, University of Tehran

Dr. Mohammad Ali Besharat \*

Professor, Department of Psychology, University of Tehran

ساره تاج‌دین

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران

دکتر محمدعلی بشارت (نویسنده مسئول)

استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تهران

### چکیده

### Abstract

Attachment is a behavioral system formed to regulate the proximity of the child to the parent or the primary caregiver in danger or anxiety to increase their chances of survival. The hypothesis is that different attachment styles are related to the marital conflict in different ways, and many factors can influence the relationship between attachment style and marital conflict. The present study aims to predict marital conflict by positive and negative affects and attachment styles. A total of 270 married adults (145 men, and 125 women) participated in the present study. Participants were asked to complete adult attachment inventory (AAI), the Golombok-Rust inventory of marital state questionnaire (GRIMS), positive and negative affect schedule (PANAS). The results obtained from this study reveal that only avoidant and ambivalent attachment styles have a significant positive association with marital conflicts. There is no significant association between positive or negative affects and marital disputes. There is a significant association between the secure attachment style and positive affects. There is no significant association between the secure attachment style and negative affects. There is no significant association between the avoidant attachment style and positive or negative affects. The ambivalent attachment style reveals a significant association with positive or negative affects. Furthermore, the results indicated that the ambivalent attachment style could predict marital conflicts.

**Keywords:** marital relationship, attachment, positive and negative affect

دلبستگی یک سیستم رفتاری است که برای تنظیم نزدیکی کودک به والد یا مراقبت‌کننده اصلی در هنگام خطر یا اضطراب شکل می‌گیرد تا شانس بقای او را بالاتر برد. فرض بر این است که انواع مختلف سبک دلبستگی به گونه‌ای متفاوت با مشکلات زناشویی در ارتباط باشند و عوامل زیادی وجود دارند که می‌توانند رابطه بین سبک دلبستگی و مشکلات زناشویی را تحت تاثیر قرار دهند. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی مشکلات زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی بود. در این مطالعه ۲۷۰ فرد متاهل (۱۴۵ مرد و ۱۲۵ زن) شرکت داشتند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)، پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک - راست (GRIMS) و فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS) را تکمیل کنند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که تنها سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا با مشکلات زناشویی همبستگی مثبت معنادار دارد. همچنین بین عواطف مثبت ( $r=0/09$  و  $p<0/01$ ) و عواطف منفی ( $r=0/09$  و  $p<0/01$ ) با مشکلات زناشویی رابطه معنادار وجود ندارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این بود که بین سبک دلبستگی ایمن با عاطفه مثبت رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن و عاطفه منفی رابطه معنادار وجود نداشت. بین دلبستگی اجتنابی و عاطفه مثبت و منفی رابطه معنادار وجود ندارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا و عاطفه مثبت و منفی رابطه معنادار وجود داشت. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا پیش‌بینی‌کننده مشکلات زناشویی است.

واژه‌های کلیدی: رابطه زناشویی، دلبستگی، عاطفه مثبت و منفی

پذیرش: اردیبهشت ۹۸

دریافت: اسفند ۹۷

نوع مقاله: پژوهشی

### مقدمه

ازدواج از مهم‌ترین رویدادهای زندگی یک فرد به شمار می‌رود که پیامدهای مثبت زیادی را به همراه دارد. افراد متأهل در مقایسه با هم‌تایان مجرد خود بهزیستی بیشتری دارند و ویژگی‌های مثبت زیادی نشان می‌دهند (واناچه، سویسگود و متیجس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ حالت -

1. Vanassche, S., Swicegood, G., & Matthijs, K.

لونستاد، بیرمینگهام و جونز،<sup>۱</sup> (۲۰۰۸). با وجود این، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این اثرات به کیفیت زندگی زناشویی بستگی دارد. گلاسر و گلاسر<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) تعارض زناشویی را ناشی از ناهماهنگی زوج‌ها در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، روان سازه‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج می‌دانند. اپستین، باکام و لاتیلید<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) عوامل خطر ساز شخصی و بین شخصی که با مشکلات زناشویی در ارتباط هستند را شامل این موارد می‌دانند: ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی<sup>۴</sup> زوج‌ها (مثل سن، تحصیلات، جایگاه اقتصادی/اجتماعی)؛ ۲- ویژگی‌های شخصیتی و آسیب‌های روانی هر یک از طرفین (مثل نوروزگرایی، افسردگی، سوء مصرف مواد)؛ ۳- میزان تعاملات منفی<sup>۵</sup> در مقایسه با فعالیت‌های لذت‌بخش مثبت و مشترکی که زوج‌ها با هم دارند؛ ۴- کیفیت برقراری ارتباط زوج‌ها، به خصوص هنگامی که با اختلاف‌نظرها و تعارض‌هایی روبرو می‌شوند که لازم است حل شود؛ ۵- طرز تفکر زوج‌ها در مورد یکدیگر و رابطه‌شان (مثل استانداردهای شخصی آنها درباره ویژگی‌های یک رابطه خوب و میزان تحقق آن استانداردها)؛ ۶- میزان سختی‌هایی که زوج‌ها برای کنار آمدن با محرک‌های استرس‌زای محیطی خود، مثل مشکلات مالی یا داشتن فرزندی با بیماری مزمن متحمل می‌شوند.

چندین دهه محققان برای شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رابطه، تعارض‌ها و مشکلات زناشویی تلاش کرده‌اند. مخصوصاً ارتباط بین ویژگی‌های شخصی (مثل صفات شخصیتی، نگرش‌ها و ارزش‌ها) با رضایت زناشویی، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی دو عامل روانشناختی هستند که بر اساس شواهد (بشارت، گنجی و فراهانی، ۱۳۹۱؛ گیورتز، وسیدلو، سگرین و نوتسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳؛ میلاد، اوتنبرگر و آرتیگاس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴) می‌توان پیش‌بینی کرد که هر یک از آنها ممکن است به گونه‌ای با مشکلات زناشویی رابطه داشته باشند.

مطابق نظریه بالبی (۱۹۶۹-۱۹۸۲)، انسان با یک سیستم روانی-زیستی به نام رفتار دلبستگی متولد می‌شود. این سیستم، ارزش انطباقی دارد و فرد را به حفظ نزدیکی و همجواری با افراد مهم زندگی یا نگاره دلبستگی - کسانی که کودک می‌تواند در موقعیت‌های تهدیدآمیز نزدیک آنها بماند و شانس خود را برای سازش‌یافتگی و بقا افزایش دهد- سوق می‌دهد. اکثر کودکان با احساس امنیت و اطمینان در جهان و در ارتباط با دیگران رشد می‌کنند، اما در این بین برخی از کودکان دچار ناامنی مزمن شده و نشانه‌های اضطراب را بروز می‌دهند و یا اجتنابی می‌شوند. این تفاوت‌های فردی در جهت‌گیری دلبستگی، در سال‌های آتی در زمینه‌های دیگری همچون تنظیم عواطف (بشارت، نوربخش، رستمی و فراهانی، ۱۳۹۱)، ارزیابی تهدید و مقابله (برانت، میکولینسر و فلوریان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱) و روابط بین‌شخصی (بشارت، هدایتی و کردمیرزانی‌کوزاده، ۱۳۹۳) نمایان می‌شوند. هازن و شیور (۱۹۸۷) معتقدند پیوند میان بزرگسالان شبیه پیوند عاطفی است که بین کودک و مراقبان شکل گرفته است و تجربه‌های اولیه فرد در روابط نزدیکش، پایه و اساس روابط بعدی او در بزرگسالی است و از دسته‌بندی دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا برای توصیف این روابط استفاده کردند (تیم و کیلی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱). زوج‌های دلبسته ایمن سطح بالاتری از رضایت زناشویی را گزارش می‌کنند (مارش و همکاران، ۲۰۰۹؛ به نقل از ریزر و همکاران، ۲۰۱۰) و دلبستگی ایمن با میزان بالاتر صمیمیت و نزدیکی و رضایت از رابطه و پایین‌تر بودن میزان خیانت، سوء استفاده و طرد در ارتباط است. دلبستگی ناایمن با سطوح پایین رضایت زناشویی مرتبط است (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱). افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی دارند تلاش می‌کنند استقلال رفتاری و فاصله عاطفی را از همسر خود حفظ کنند و نیازهای دلبستگی خود را انکار کرده و افکار و عواطف مرتبط با دلبستگی را سرکوب کنند (بشارت، ۱۳۹۱). در افرادی با سبک دلبستگی اضطرابی، میزان نگرانی فرد از این که همسرش در مواقع ضروری و نیاز در دسترس نباشد، مطرح است. نیاز سیری‌ناپذیر به توجه، حمایت و عشق همسر، به عنوان ابزاری برای کنترل پریشانی و مقابله با تهدید است (بشارت، ۱۳۹۱؛ میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از ریزر، پوسیک و ایندور<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰).

1. Holt-Lunstad, J., & Birmingham, W., & Jones, B. Q.

2. Glasser, W., & Glasser, C.

3. Epstein, N. B., Baucom, D. H., & LaTaillade, J. J.

4. demographic characteristics

5. negative interaction

6. Givertz, M., Woszidlo, A., Segrin, CH., & Knutson, K.

7. Milad, E. H., Ottenberger, D. R., & Artigas, D. H.

8. Berant, E., Mikulincer, M., & Florian, V.

9. Timm, T. M., & Keiley, M. K.

10. Reizer, A., Possick, C., & Ein-Dor, T.

عامل دیگری که پیش‌بینی می‌شود با مشکلات زناشویی مرتبط باشد، عواطف مثبت و منفی است. عواطف مثبت شامل لذت، علاقه، اعتماد و هشیاری است که بخشی از سیستم رفتاری تسهیلی است و ارگانسیم را به سمت محرک‌های لذت‌بخش هدایت می‌کند (واتسون، ویز، وایدی و تلگن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ به نقل از واتسون، ۲۰۰۰). وقتی عاطفه مثبت افراد بالا است، معمولاً احساس می‌کنند علاقه‌مند، پرانرژی، هوشیار و خوش‌بین هستند؛ در حالی که وقتی عاطفه مثبت افراد پایین است، معمولاً احساس خمودگی، بی‌تفاوتی و خستگی غالب است (ریو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). عواطف منفی شامل ترس/ اضطراب، غمگینی/ افسردگی و خشم/ خصومت است. این عواطف بخشی از سیستم رفتاری بازدارنده است که هدف اصلی آن بازداری رفتارهایی است که به پیامدهای ناخوشایند منجر می‌شوند (واتسون و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از واتسون، ۲۰۰۰). وقتی عاطفه منفی افراد بالاست معمولاً احساس می‌کنند ناخشنود، عصبی و تحریک‌پذیر هستند، درحالی‌که وقتی عاطفه منفی افراد پایین است، آرام و آرمیده‌اند (ریو، ۲۰۰۹).

شواهد نشان می‌دهد که عاطفه مثبت سبب بسیاری از ویژگی‌ها، منابع و سرمایه‌ها و موفقیت‌هایی است که با شادکامی همبسته است (لیبومیرسکی، کینگ و داینر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). افراد با عاطفه مثبت بیشتر تمایل دارند رویکرد حل مسأله را برای بحث‌ها و مشکلات بین‌شخصی به کار بندند و راه‌حلی ارائه دهند که با تکیه بر تفکر خلاقانه باعث می‌شوند هر دو طرف بیشترین منفعت را ببرند. آنها حتی بهتر قادرند در مذاکرات خود را جای طرف مقابل قرار دهند و کمتر تدافعی هستند (ماندال، اریا، پاندی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). در مقابل عاطفه منفی عامل خطرسازی برای آسیب‌های جسمی و روانی است (بشارت، درویشی لرد و لواسانی، ۱۳۹۴؛ فینچ، بارانیک، لیو و وست<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). همین‌طور کاستا و همکاران (۱۹۸۰) نشان دادند که نوروگرایی به صورت نیرومندی با عاطفه منفی همبسته است. تمامی این عوامل نیز می‌تواند اثرات زیان‌باری بر رابطه زناشویی داشته باشند.

با توجه به شواهد تجربی و مبانی نظری در خصوص احتمال رابطه سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی با مشکلات زناشویی، پژوهش حاضر با هدف‌هایی چندگانه انجام شد. ابتدا رابطه هر یک از این متغیرها با مشکلات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت، سپس نقش این متغیرها در پیش‌بینی مشکلات زناشویی به صورت همزمان بررسی شد.

## روش

**جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش:** طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. نمونه پژوهش ۲۷۰ فرد متاهل بودند که به شیوه در دسترس انتخاب شدند. شرایط شرکت در پژوهش علاوه بر رضایت داوطلب، متاهل بودن وی در زمان تکمیل پرسشنامه بود. معیارهای خروج نیز عبارت بودند از زندگی مجزا به دلایلی نظیر فوت همسر، طلاق، مسافرت‌های شغلی بلندمدت و عقد پیش از مراسم ازدواج. در کل ۳۰۰ پرسش‌نامه تهیه و پخش شد که از میان آنها تعداد ۳۰ عدد به علت پاسخ ناقص حذف شدند و بدین ترتیب نمونه نهایی پژوهش به ۲۷۰ فرد متاهل کاهش یافت. از این تعداد، ۱۴۵ نفر (۵۳/۷ درصد) مرد و ۱۲۵ نفر (۴۶/۳ درصد) زن بودند. دامنه سنی برای زنان ۱۷ تا ۶۳ بود. میانگین سنی زنان ۳۳/۵۶ و انحراف استاندارد آن ۹/۵۲ بود. دامنه سنی برای مردان ۲۱ تا ۶۹ بود. میانگین سنی مردان ۴۱/۵۷ و انحراف استاندارد آن ۱۰/۸۵ بود. میانگین سنی کل نمونه ۳۷/۸۶ و انحراف استاندارد آن ۱۰/۹۹ بود. پس از کسب رضایت، پرسش‌نامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و راهنمایی لازم جهت تکمیل آن صورت پذیرفت.

## ابزار سنجش

**مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI):** مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه‌های دانشجویی و جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه (۱۴۸۰؛  $n=860$  زن،  $n=620$  مرد) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۹،

1. Watson, D., Wiese, D., Vaidya, J., & Tellegen, A.

2. Reeve, J.

3. Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E.

4. Mandal, S. P., Arya, W. K., Pandey, R.

5. Finch, J. F., Baranik, L. E., Liu, Y., & West, S. G.

۰/۸۸؛ برای زنان ۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۸۷ و برای مردان ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی<sup>۱</sup> خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی<sup>۲</sup> محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۷۴؛ برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و برای مردان ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است.

**پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک - راست (GRIMS):** پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست<sup>۳</sup> (GRIMS)، راست، بنان، کرو و گلوبک، (۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰، کاملاً مخالف = ۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجها را از نمره صفر تا سه، در زمینه میزان حساسیت<sup>۴</sup> و توجه زوجها نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد<sup>۵</sup>، وفاداری<sup>۶</sup>، مشارکت<sup>۷</sup>، همدردی<sup>۸</sup>، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت<sup>۹</sup> و همدلی زوجها می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۸۴ است. نمره تراز شده آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زن‌ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها ۰/۷۷ =  $r$ ، آزمودنی‌های زن ۰/۷۳ =  $r$  و آزمودنی‌های مرد ۰/۷۵ =  $r$  نشانه پایایی بازآزمایی خوب پرسشنامه است.

**فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS):** فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS، واتسون، کلارک و تلگن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۸) مقیاسی است متشکل از ۱۰ عاطفه مثبت و ۱۰ عاطفه منفی. این فهرست دو زیر مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را، به منزله دو بعد متعامد<sup>۱۱</sup>، در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌های فهرست به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. فهرست عواطف مثبت و منفی، بر حسب دستورالعمل اجرایی تعیین شده برای آزمودنی، عواطف مثبت و منفی را به دو صورت صفت<sup>۱۲</sup> و/یا حالت<sup>۱۳</sup> می‌سنجد. ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی در چندین پژوهش، که در خلال سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ در نمونه‌های بیمار و بهنجار انجام شده‌اند، مورد بررسی و تایید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ برای بیماران به دست آمد. این ضرایب در نمونه‌های بهنجار برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۵ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ محاسبه شد. این ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های فهرست عواطف مثبت و منفی را تایید می‌کنند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۸۴ نفر از نمونه‌های بیمار در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای عاطفه مثبت از ۰/۶۹ تا ۰/۷۳ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۷ تا ۰/۷۰ محاسبه شد و در مورد نمره‌های ۲۳۳ نفر از نمونه‌های بهنجار در همین فاصله زمانی برای عاطفه مثبت از ۰/۶۶ تا ۰/۷۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ به دست آمد. این ضرایب که همه در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بودند، پایایی بازآزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی را تایید می‌کنند. روایی همگرا<sup>۱۴</sup> و تشخیصی (افتراقی)<sup>۱۵</sup> نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی از طریق اجرای همزمان مقیاس افسردگی

1. internal consistency

2. test-retest reliability

3. Golombok Rust Inventory of Marital State

4. sensitivity

5. commitment

6. loyalty

7. cooperation

8. sympathy

9. intimacy

10. Watson, D., Clarke, L. A., & Tellegen, A.

11. Orthogonal

12. Trait

13. State

14. Convergent

15. Discriminant

بک<sup>۱</sup>، مقیاس اضطراب بک<sup>۲</sup> و مقیاس سلامت روانی<sup>۳</sup> در مورد آزمودنی‌های دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت. ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی به ترتیب با مقیاس افسردگی بک  $0/44-$  و  $0/53+$ ، با مقیاس اضطراب بک  $0/38-$  و  $0/47+$ ، با درماندگی روانشناختی  $0/42-$  و  $0/51+$  و با بهزیستی روانشناختی  $0/54+$  و  $0/43-$  به دست آمد. این ضرایب در سطح  $0/01 < P$  معنادار بودند. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نیز با تعیین دو عامل عاطفه مثبت و عاطفه منفی، روایی سازه نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی را مورد تایید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۷).

### یافته‌ها

در این مطالعه ۲۷۰ نفر شرکت داشتند که از این تعداد، ۱۴۵ نفر (۵۳/۷ درصد) مرد و ۱۲۵ نفر (۴۶/۳ درصد) زن بودند. علاوه بر این، اطلاعات به دست آمده از شرکت کنندگان نشان داد که ۲۸/۹ درصد از آنها کارمند، ۳۴/۱ درصد از آنها دارای شغل آزاد، ۲۶/۳ درصد خانه‌دار، ۵/۲ درصد معلم، ۲/۲ درصد دانشجو و ۳/۳ درصد از آنها بازنشسته بودند. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های دلبستگی، عواطف مثبت و منفی و مشکلات زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و توزیع داده‌ها در سبک‌های دلبستگی، دشواری تنظیم هیجان و مشکلات زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سبک ایمن	۱۴/۶۲	۳/۴۷
سبک اجتنابی	۱۲/۸۲	۳/۶۶
سبک دوسوگرا	۱۳/۱۲	۳/۷۲
عواطف مثبت	۲۷/۷۹	۵/۲۹
عواطف منفی	۳۰/۵۹	۵/۷۴
مشکلات زناشویی	۲۳/۵۹	۱۳/۳۲

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۲ نشان داده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی ( $p < 0/01$  و  $r = 0/14$ ) و سبک دلبستگی دوسوگرا ( $p < 0/05$  و  $r = 0/31$ ) با مشکلات زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات زناشویی رابطه معنادار وجود نداشت. همچنین بین عواطف مثبت ( $p < 0/01$  و  $r = 0/09$ ) و عواطف منفی ( $p < 0/01$  و  $r = 0/09$ ) با مشکلات زناشویی رابطه معنادار وجود ندارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این بود که بین سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با عاطفه مثبت رابطه معنادار وجود دارد. بین دلبستگی اجتنابی و عاطفه مثبت رابطه معنادار وجود ندارد. بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی و عاطفه منفی رابطه معنادار وجود نداشت، بین سبک دلبستگی دوسوگرا و عاطفه منفی رابطه معنادار وجود داشت.

جدول ۲ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- مشکلات زناشویی	۱					
۲- سبک ایمن	۰/۰۳	۱				
۳- سبک اجتنابی	۰/۱۴*	-۰/۴۱**	۱			
۴- سبک دوسوگرا	۰/۳۱**	۰/۳۰**	۰/۱۸**	۱		
۵- عواطف مثبت	۰/۰۸	۰/۲۲**	۰/۰۴	۰/۲۳**	۱	
۶- عواطف منفی	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۲۲**	۰/۵۸**	۱

$N=270$  \*\* $p < 0/01$  \* $p < 0/05$

1. Beck Depression Inventory
2. Beck Anxiety Inventory
3. Mental Health Inventory



برای بررسی نقش پیش‌بین سبک‌های دلبستگی، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ و ۴ گزارش شده است. بر اساس این نتایج، سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا پیش‌بینی کننده مشکلات زناشویی است. سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا ۹ درصد از واریانس مشکلات زناشویی را تبیین می‌کند که این مقدار معنی‌دار است ( $p=0/001$ ). سبک دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و عواطف مثبت و منفی پیش‌بینی کننده مشکلات زناشویی نبوده است.

جدول ۳ خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	F	P
۱	۰/۳۰۹	۰/۰۹۵	۰/۰۹۲	۲۸/۱۵۹	۰/۰۰۱

جدول ۴ ضرایب خط رگرسیون

مدل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	t	P
گام اول سبک دلبستگی دوسوگرا	۱/۱۰	۰/۳۰	۵/۳۰	۰/۰۰۱

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بین مشکلات زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی بود. نتایج به‌دست آمده نشان داد که سبک دلبستگی دوسوگرا، مشکلات زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه با پژوهش‌های قبلی (بشارت، ۲۰۰۳؛ بشارت، مدنی و پورحسین، ۱۳۹۲؛ لای، میکولینسر و شیور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ میلاد و همکاران، ۲۰۱۴) مطابقت می‌کند و بر حسب چند احتمال تبیین می‌شود. بر اساس نظریه دلبستگی، تجارب والد-فرزند در اوایل کودکی باعث شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی و مدل‌های درون‌کاری در کودک می‌شود و بدین‌سان انتظارات وی از روابط آینده شکل می‌گیرد (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ به نقل از مردیت، اونسورث و استرانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). در واقع کودک بر این مینا که مراقب او مسئول، دردسترس، همیشگی و قابل پیش‌بینی است، دیگران را افرادی قابل اعتماد، مهربان و لایق احترام و ارزش می‌داند و بر عکس، اگر فرد حمایت کافی دریافت نکرده باشد، دیگران را به عنوان افرادی طرد کننده و سرد خواهد دانست. از طرف دیگر، به اندازه‌ای که نگاره دلبستگی، او را ارزشمند می‌داند، اکنون خود را لایق احترام و ارزش و اعتماد می‌داند (وردن، پیترز، بری، باروکلاف و لیورساید<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا ترس بیشتری نسبت به از دست دادن کنترل در زندگی روزمره دارند و احساس شادی کمتری گزارش می‌کنند (شینبام، کاپیل، بالسیپی، میتجاویلا، شان و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). آن‌ها نسبت به افراد با سبک دلبستگی ایمن، مشکلات بین‌شخصی بیشتری دارند (بشارت، گلی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۲)، به خود و دیگران اعتماد ندارند (دیویس، کرک پتریک و لوی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) و تعهد، صمیمیت و مهارت‌های حل مسئله در آن‌ها ضعیف است. این موضوع باعث می‌شود که افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن در حل تعارض و مشکل، به دیگران بی‌توجه باشند و حمایت دیگران را جلب نکنند و در طول تعارض‌های زناشویی، رفتارهای منفی زیادی از خود نشان دهند (گویین، گلاس، لاونینگ، مالارکی، استول، هاتس و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). در پژوهشی که توسط گیورتز و همکاران (۲۰۱۳) صورت گرفته، نشان داده شد که سبک دلبستگی نایمن (دوسوگرا و اجتنابی) با کیفیت پایین‌تر رابطه و سطح بالاتر احساس تنهایی ارتباط دارد. تمامی این موارد باعث می‌شود افراد با سبک دلبستگی نایمن مشکلات زناشویی بیشتر و شدیدتری را تجربه کنند.

نتایج این پژوهش نشان داد که عواطف مثبت و منفی، مشکلات زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کنند. این یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه همسو نیست که می‌تواند بر حسب نقش واسطه‌ای احتمالی راهبردهای پردازش اطلاعات<sup>۷</sup> بین

1. Lavy, S., Mikulincer, M., & Shaver, P. R.
2. Meredith, P., Ownsworth, T., & Strong, J.
3. Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liversidge, T.
4. Sheinbaum, T., Kwapil, T. R., Ballespi, S., Mitjavila, M., Chun, C. A., & et al.
5. Davis, K. E., Kirkpatrick, L. A., & Levy, M. B.
6. Gouin, J. P., Glaser, R., Loving, T. J., Malarkey, W. B., Stowell, J., Houts, C., & et al
7. Information processing strategy

عواطف و رفتار، پیچیده بودن اثر عواطف بر شناخت و روابط بین شخصی، تفاوت‌های شخصیتی دو طرف و شدت و نوع تعارض قابل تبیین باشد. این که پیامدهای رفتاری عواطف، مفید یا مخرب است بیشتر به ماهیت فعالیت، نوع راهبرد پردازش اطلاعات استفاده شده و ویژگی‌های فرد و موقعیت بستگی دارد. راهبردهای پردازش اطلاعات متفاوت، می‌توانند اثر عواطف را بر شناخت و رفتار بازداري کنند، بهبود دهند و یا وارونه کنند (فورگاس، ۲۰۰۱). بر اساس نوع راهبرد پردازش اطلاعاتی که استفاده شده، ممکن است شاهد اثر همخوان با عاطفه و یا اثر ناهمخوان با عاطفه بر چگونگی تفسیر و واکنش به موقعیت‌های اجتماعی نباشند. به عبارت دیگر، حالت‌های عاطفی اثر مهم اما پیچیده‌ای بر رفتارهای بین فردی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثر عواطف بر شناخت و روابط بین شخصی پیچیده است و اثر عواطف بر تبیین تعارض‌ها در رابطه نزدیک و صمیمی، مبهم و نامشخص است. شواهد این گونه نشان می‌دهد که عاطفه مثبت باعث افزایش خطا در قضاوت در مورد رفتارهای بین فردی و توضیح آنها (خطای اسناددهی اساسی) و صحت شهادت عینی می‌شود. این افراد ممکن است به غلط فرض را بر این قرار دهند که عوامل درونی، رفتار مشاهده شده را ایجاد کرده است. اما عاطفه منفی خطا را کاهش می‌دهد. حالت‌های عاطفی مانند شادی، می‌توانند توانایی فرد را در مدیریت موقعیت‌های دشوار مختل کنند و احتمال این که فرد در چنین موقعیت‌هایی به پاسخ‌های قلبی و ساده استناد کند را افزایش دهد (فورگاس، ۲۰۰۲). در آزمایشی که توسط فورگاس<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) انجام شد، افرادی که عاطفه منفی داشتند، در برابر تعارض‌ها اغلب خودشان را سرزنش می‌کردند و از سوی دیگر حوادث خوشایند و شاد را به همسرشان نسبت می‌دادند. در صورتی که افراد شاد، دلایل تعارض را در عوامل بیرونی، مثلاً همسرشان یا موقعیت، جستجو می‌کردند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد شاد درخواست خود را مستقیم و بی‌ادبانه مطرح می‌کنند در حالی که افراد غمگین، درخواست خود را محتاطانه، غیرمستقیم و مودبانه بیان می‌کنند (فورگاس، ۲۰۰۲). همچنین افرادی که عاطفه منفی دارند، توجه بیشتری به ضرورت‌های موقعیتی دارند و پاسخ‌شان را تدریجی و محتاطانه، نشان می‌دهند. آنها نسبت به افراد شاد، استدلال‌های قانع‌کننده‌تر و با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند (بلس و فیدلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). انتظار می‌رود هنگامی که فرد قادر باشد درخواست خود را مودبانه و دقیق مطرح کند و استدلال‌هایش قانع‌کننده‌تر باشد، موقعیت‌های دشوار را بهتر مدیریت کند.

در تبیین دیگر می‌توان به تفاوت‌های شخصیتی دو طرف اشاره کرد. آزمایش‌ها نشان داده‌اند که خصیصه‌های شخصیتی بر راهبردهایی که فرد در مقابله با استرس‌های زندگی از آنها استفاده می‌کند تاثیر می‌گذارد (بشارت، ۱۳۸۶). به عنوان مثال، افرادی که نمره آنها در خصیصه گشودگی به احساسات پایین است، در پاسخ به اطلاعات اجتماعی، کمتر احتمال دارد تحت تاثیر عواطف قرار گیرند و در نتیجه رابطه زناشویی آنها کمتر تحت تاثیر عواطف قرار گیرد. افرادی که اضطراب در آنها پایین است، هنگامی که خلق و عاطفه آزارنده‌ای را تجربه می‌کنند، مطابق عاطفه خود و به شیوه منفی پاسخ می‌دهند. با وجود این، افرادی که اضطراب در آنها بالا است، بر اساس حساسیت بالا به عاطفه آزارنده، الگوی متضادی را نشان می‌دهند و سعی در برطرف کردن حالت منفی دارند. این نمونه‌ای از وارونه شدن عواطف همخوان با خلق است (سیاروچی، فورگاس و میلر، ۲۰۰۱).

تبیین دیگر این که، چگونگی و میزان اثر عواطف، بر تعارض‌های جدی و ساده متفاوت است و از این رو شدت و نوع تعارض زناشویی، می‌تواند عامل تاثیرگذاری باشد. عاطفه زمانی اثر بیشتری بر اسناددهی و قضاوت در رابطه صمیمانه دارد که تعارض جدی باشد و ساده نباشد. اثر عواطف مثبت و منفی بر راهبردهای حل تعارض نیز این الگوی مبهم را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، در آزمایشی که فورگاس (۲۰۰۲) انجام داد، احتمال کمتری وجود داشت که افراد غمگین در مواجهه با تعارض‌های جدی از راهبرد همکاری<sup>۳</sup> استفاده کنند، اما هنگام تعارض‌های ساده احتمال استفاده از این راهبرد بیشتر بود. افراد شاد در مواجهه با تعارض‌های ساده، بیشتر محتمل بود که از راهبرد بردباری و صبر<sup>۴</sup> استفاده کنند در حالی که افراد غمگین در مواجهه با تعارض‌های جدی از این راهبرد استفاده می‌کردند. عاطفه مثبت یا منفی در ترجیح آزمودنی‌ها برای استفاده از راهبرد جر و بحث و مشاجره<sup>۵</sup> که یک راهبرد فعال و منفی است نیز تاثیرگذار بود. عاطفه مثبت احتمال استفاده از این راهبرد را هم برای حل تعارض‌های جدی و هم تعارض‌های ساده، افزایش می‌داد.

1. Forgas, J. P.

2. Bless, H., & Fiedler, K.

3. cooperation

4. patience

5. contention

پیامدهای این پژوهش را می‌توان در دو سطح نظری و عملی مطرح کرد. در سطح نظری، یافته‌های این پژوهش به شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رابطه زناشویی کمک می‌کند. در سطح عملی، نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمای متخصصان بالینی و زوج درمانگران باشد و در مشاوره پیش از ازدواج از آن استفاده کنند. آنها می‌توانند با آگاهی دادن به زوجها در مورد عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی به آنها در مقابله با شرایط استرس‌زای زندگی کمک کنند تا از شدت مشکلات و تعارض‌های زناشویی به خصوص در سال‌های اول زندگی مشترک بکاهند. این پژوهش نیز همانند همه پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. محدودیت‌های پژوهش حاضر به این شرح است. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود، بنابراین باید در تفسیر نتایج پژوهش با احتیاط عمل کرد زیرا پژوهش همبستگی رابطه علی بین متغیرها را مشخص نمی‌کند. متغیرهایی همچون وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این پژوهش کنترل نشده است بنابراین در تعمیم یافته‌ها باید این را در نظر داشت. نمونه پژوهش حاضر، ساکن شهرستان بوشهر بودند که خلق و خوی خاص آن منطقه را دارند، بنابراین در تعمیم یافته‌ها باید احتیاط نمود. در پژوهش حاضر فقط یک نفر از زوجها در دسترس بود و بررسی شد و باید در تفسیر نتایج این را مد نظر داشت.

## منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبیک - راست. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس. پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۷، ۲۵-۵۰.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. مشاوره کاربردی، ۱، ۱۸-۱.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسشنامه، شیوه اجرا و کلید نمره گذاری. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۳۵، ۳۱۷-۳۲۰.
- بشارت، م. ع.، درویشی لرد، م.، و لوانسانی، م. (۱۳۹۴). رابطه‌ی عاطفه منفی و بازداری اجتماعی با شدت تنگی عروق کرونری: نقش واسطه‌ای نشخوار خشم. شخصیت و تفاوت‌های فردی، ۸، ۲۴-۱.
- بشارت، م. ع.، گلی نژاد، م.، و احمدی، ع. ا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۱، ۸۳-۷۴.
- بشارت، م. ع.، گنجی، پ.، و فراهانی، ح. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۴۳-۳۵.
- بشارت، م. ع.، مدنی، م.، و پورحسین، ر. (۱۳۹۲). بررسی نقش تعدیل‌کننده عواطف مثبت و منفی در حیطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات زناشویی. مجله علوم روانشناختی، ۴۹، ۲۵-۸.
- بشارت، م. ع.، نوربخش، ن.، رستمی، ر.، و فراهانی، ح. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده خودتنظیم‌گری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شدت اختلال‌های مصرف مواد. مجله روان‌شناسی بالینی، ۱۵، ۳۲-۲۱.
- بشارت، م. ع.، هدایتی، م.، و کردمیرزانی‌کوزاده، ع. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مشکلات بین شخصی در رابطه بین آسیب‌های دلبستگی و نشانه‌های اضطراب. فصلنامه روان‌شناسی تحولی، ۳۹، ۲۳۶-۲۲۵.

- Berant, E., Mikulincer, M., & Florian, V. (2001). Attachment style and mental health: A 1-year follow-up study of mothers of infants with congenital heart disease. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 956-968
- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychol Rep*, 92, 1135-40.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Bless, H., & Fiedler, K. (2006). Mood and the regulation of information processing and behavior. *Affect in Social Thinking and Behavior*, 65-84.
- Cassidy, J., & Kobak, R. R. (1988). Avoidance and its relation to other defensive processes. *Clinical implications of attachment*, 300-323.
- Ciarrochi, J., Forgas, J. P., & Mayer, J. D. (2001). *Emotional intelligence in everyday life: A scientific inquiry*. Psychology Press.
- Clark, L. A., Watson, D., & Mineka, S. (1994). Temperament, personality, and the mood and anxiety disorders. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 103.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1980). Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being: happy and unhappy people. *Journal of Personality and Social Psychology*, 38, 668.



- Davis, K. E., Kirkpatrick, L. A., & Levy, M. B. (2013). Stalking the Elusive Love Style: Attachment Styles, Love Styles. *Theoretical Frameworks for Personal Relationships*, 179.
- Epstein, N. B., Baucom, D. H., & LaTaillade, J. J. (2006). Marital problems. In *Practitioner's Guide to Evidence-Based Psychotherapy* (pp. 396-407). Springer US.
- Finch, J. F., Baranik, L. E., Liu, Y., & West, S. G. (2012). Physical health, positive and negative affect, and personality: A longitudinal analysis. *Journal of Research in Personality*, 46, 537-545.
- Forgas, J. P. (2001). *Feeling and thinking: The role of affect in social cognition*. Cambridge University Press.
- Forgas, J. P. (2002). Feeling and doing: Affective influences on interpersonal behavior. *Psychological Inquiry*, 13, 1-28.
- Forgas, J. P. (2008). Affect and cognition. *Perspectives on Psychological Science*, 3, 94-101.
- Givertz, M., Woszidlo, A., Segrin, C., & Knutson, K. (2013). Direct and indirect effects of attachment orientation on relationship quality and loneliness in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30, 1096-1120.
- Glasser, W., & Glasser, C. (2010). *Getting together and staying together: Solving the mystery of marriage*. Harper Collins.
- Gouin, J. P., Glaser, R., Loving, T. J., Malarkey, W. B., Stowell, J., Houts, C., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2009). Attachment avoidance predicts inflammatory responses to marital conflict. *Brain, Behavior, and Immunity*, 23, 898-904.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511.
- Heresi Milad, E., Rivera Ottenberger, D., & Huepe Artigas, D. (2014). Associations among attachment, sexuality, and marital satisfaction in adult Chilean couples: a linear hierarchical models analysis. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 40, 259-274.
- Holt-Lunstad, J., Birmingham, W., & Jones, B. Q. (2008). Is there something unique about marriage? The relative impact of marital status, relationship quality, and network social support on ambulatory blood pressure and mental health. *Annals of Behavioral Medicine*, 35, 239-244.
- Lavy, S., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). Autonomy-proximity imbalance: An attachment theory perspective on intrusiveness in romantic relationships. *Personality and Individual Differences*, 48, 552-556
- Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005). The benefits of frequent positive affect: does happiness lead to success. *Psychological Bulletin*, 131, 803.
- Mandal, S. P., Arya, Y. K., & Pandey, R. (2012). Mental health and mindfulness: Mediation role of positive and negative affect. *SIS Journal of Projective Psychology and Mental Health*, 19, 150-159.
- Meredith, P., Ownsworth, T., & Strong, J. (2008). A review of the evidence linking adult attachment theory and chronic pain: Presenting a conceptual model. *Clinical Psychology Review*, 28, 407-429.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. *Advances in Experimental Social Psychology*, 35, 53-152.
- Reeve, J. (2009). Why teachers adopt a controlling motivating style toward students and how they can become more autonomy supportive. *Educational Psychologist*, 44, 159-175.
- Reizer, A., Possick, C., & Ein-Dor, T. (2010). Environmental threat influences psychological distress and marital satisfaction among avoidantly attached individuals. *Personal Relationships*, 17, 585-598.
- Rust, J., Bennun, I., Crowe, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok Rust inventory of marital state (GRIMS). *Sexual and Marital Therapy*, 1, 55-60.
- Sheinbaum, T., Kwapil, T. R., Ballepá, S., Mitjavila, M., Chun, C. A., Silvia, P. J., & Barrantes-Vidal, N. (2015). Attachment style predicts affect, cognitive appraisals, and social functioning in daily life. *Frontiers in psychology*, 6.
- Timm, T. M., & Keiley, M. K. (2011). The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 37, 206-223.
- Vanassche, S., Swicegood, G., & Matthijs, K. (2013). Marriage and children as a key to happiness? Cross-national differences in the effects of marital status and children on well-being. *Journal of Happiness Studies*, 14, 501-524.
- Watson, D. (2000). *Mood and temperament*. Guilford Press.
- Watson, D., Clarke, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 1063-1070.
- Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences*, 44, 1246-1257.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی